

# بررسی علل عدم استقبال نسل جدید از سکونت در بافت قدیم شهر یزد

امید فتاحی

دید و نگرش افراد جامعه از نسلی به نسل دیگر دچار تغییرات گوناگونی می‌شود. نگرش جوانان امروز با والدین خود متفاوت است و به همین ترتیب شاهد اختلاف دیدگاه همین جوانان با فرزندانشان خود نیز خواهیم بود.

این تفاوت نگرش باعث می‌شود تا هر نسلی نیازمندی‌های جدیدی برای خود تعریف کند و بر اساس نیازهای جدیدش به سراغ عملکردهای جدید برود. این تغییرات، شرایطی طبیعی است که همگان آن را قبول دارند.

اعمال این تغییرات در محیط زندگی انسان نیز به‌طور واضح قابل مشاهده بوده است، مثلاً بافت‌های قدیمی و تاریخی شهر در دوره‌ی تیموری و سلجوقی متناسب با نیازهای آن دوره بوده و با توجه به نیازهای دوره‌ی صفویه و قاجار دستخوش تغییراتی این‌چنینی شده است، مردم این دوران همزمان با تغییر و تحولات نیازمندی‌های خود و دستیابی به امکانات جدید، بدون خدشه‌دار کردن هویت بناها، آن‌ها را دستخوش تحولات مورد نیاز می‌کردند، یعنی چون انسان در حال تغییر و تحول است پس می‌تواند تغییر را نیز ایجاد کند، بنابراین این سؤال پیش می‌آید که چرا روند صحیح این تحولات در نسل حاضر دنبال نشده و باعث بروز نارضایتی افراد از سکونت در بافت و بناهای قدیم شده است.

- شاخص‌های عدم استقبال از زندگی در بافت:

شاخص‌های کالبدی:

تغییر مقیاس معابر: کمی عرض گذرها یکی از معضلات مهمی بوده که بومیان را از بافت قدیم رانده است، بسیاری از کوچه‌های باریک این بافت طی سالیان، بدون در نظر گرفتن مشخصات و ارزش‌های موجود در آن، تعریض شدند و به‌جای آجرفرش با آسفالت پوشیده و دارای ظاهری ناهمگون با بافت سنتی گردیده‌اند. ظهور اتومبیل و استفاده از آن سبب شد که به‌تدریج گروه‌های مرفه و متوسط اجتماعی از سکونت در محله‌هایی که معابر آن فقط برای افراد پیاده تعبیه شده بود، دست بشویند



تصویر شماره ۱: گذر آجر فرش شده

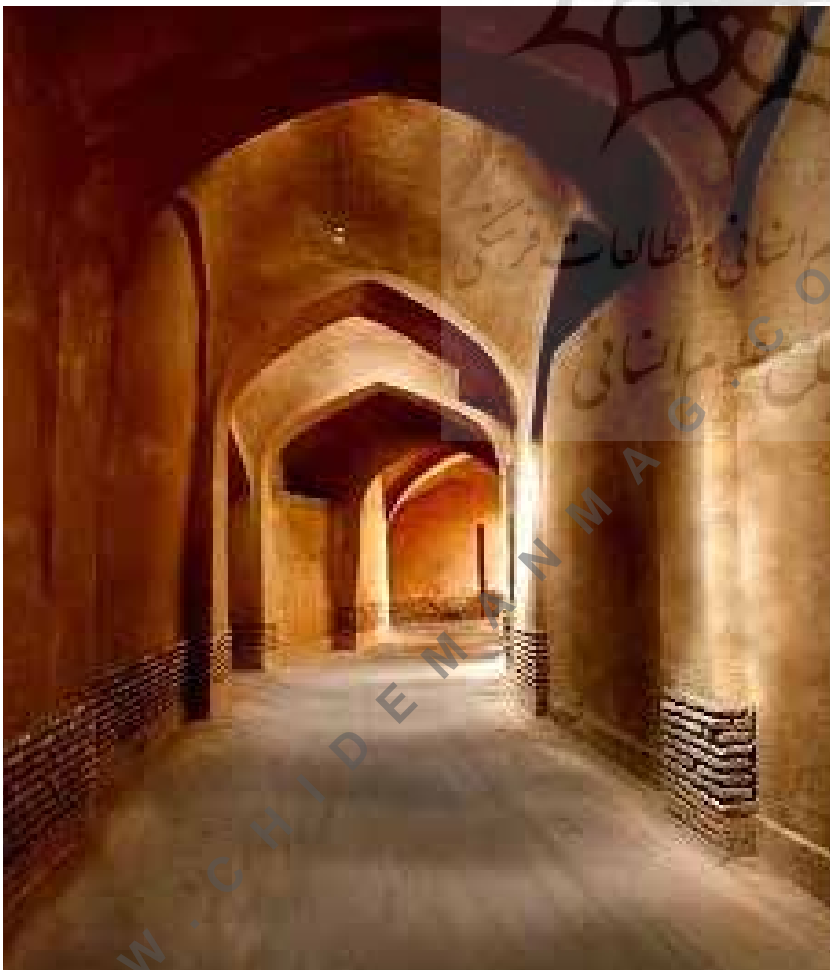
و در مقابل، گروه‌های اجتماعی کم درآمد جایگزین آن‌ها شوند که در گذر سال‌ها اتباع مهاجر نیز در کنار این قشر در بافت قدیم ساکن شدند. بنابراین بستری فراهم شد تا این بافت، اعتبار نسبی مدنی و لایه بورژوازی خود را رفته‌رفته کمرنگ‌تر ببیند و هسته‌ی سکونتی شاهد حضور افراد ناوارد، کاربری‌های جدید و در نتیجه بناهای بی کیفیت تازه شود. (حبیبی، ۱۳۸۱: ۷۱)

شکی نیست که ساکنان این نواحی می‌خواهند تا با ماشین از یک سوی شهر، خود را به نزدیکی خانه خود برسانند و یا وسایلی که خریده‌اند را به آنجا حمل کنند؛ همچنین می‌خواهند مطمئن باشند که در مواقع بروز حادثه و بیماری به آسانی با وسیله‌ی نقلیه از گذرها عبور کنند. اینها همه خواسته‌های معقولی است که نیاز است به آن پاسخ داده شود.

**پوشش کف گذرها:** برای جلوگیری از بر پا شدن گرد و غبار در تابستان و ایجاد گل و لای در زمستان بسیاری از کوچه‌ها، میدان‌ها و صحن‌های وسیع آجر فرش شده‌اند. (تصویر شماره ۱)

اما امروز یکی از مشکلات شبکه‌های ارتباطی بافت کهن یزد، گذرهای آسفالت شده آن می‌باشد که الگویی نامناسب برای تابستان‌های بسیار گرم این شهر است. (تصویر شماره ۲)

**ملاحظات سازه‌ای:** قرارگیری بافت قدیم یزد روی گسل‌های زلزله زنگ خطری برای این مجموعه است، مقاوم‌سازی بناهای بافت به دو دلیل عمده بسیار دشوار و پرهزینه هست: اول اینکه، بناهای بافت متراکم هستند و پشت به پشت هم داده‌اند، بنابراین مقاوم‌سازی تک‌بناها کار اصولی نمی‌باشد و لازم است این عمل در کل بافت صورت پذیرد که با توجه به وسعت آن بسیار پرهزینه می‌باشد. دوم آنکه، جسم سازه بناها از خشت خام است و این خشت‌ها با سپری شدن سالیان، اکنون پوک و توخالی هستند و از عمق آسیب دیده‌اند، به علاوه اینکه خشت به علت سنگین وزن بودن و عدم مقاومت کششی در برابر نیروهای جانبی که



تصویر شماره ۲: گذر فرش شده با آسفالت





تصویر شماره ۳: خانه‌ی گلشن قبل از مرمت

تعلق خاطر و وابستگی آن‌ها به ارزش‌ها، ناهنجاری‌های اجتماعی و گسیختگی فرهنگی و تبلور آسیب‌های اجتماعی صورت پذیرفته است.

از طرفی با عنایت به مورفولوژی (ریخت‌شناسی) خانه‌های سنتی که درون‌گرا بوده‌اند و اکنون بسیاری از آن‌ها خالی از سکنه مانده‌اند، بستر مناسبی جهت بزهکاری‌های اجتماعی فراهم آمده است.

- ارائه چند الگو جهت کاهش معضلات اجتماعی: مشارکت شهروندان در بخش‌های مختلف امور محلات، می‌تواند در تأمین بخشی از منابع رفاهی و کاهش آسیب‌ها و تنش‌های شهری (در مقیاس محله)، ... منجر به افزایش حق شهروندی (فعال) و حرکت در جهت توسعه پایدار اجتماعی گردد. (اقاصفری، ۱۳۸۶: ۳۴)

- مرمت و بازسازی سراها، کاروانسراها و ... که در بسیاری موارد بلا استفاده مانده و اغلب نقش انبار داشته یا اصولاً متروکه مانده‌اند و تبدیل آن‌ها به مکان‌های فرهنگی، مذهبی، ورزشی، رفاهی و یا حتی

منجر به از هم پاشیدگی در هنگام وقوع زلزله می‌شود، در زمره‌ی مصالح با مقاومت بالا محسوب نمی‌شود. مجموع این عوامل باعث عدم اعتماد مردم برای زندگی در سکونت‌گاه‌های این محدوده شده است. (مسعود، ۱۳۹۲: ۲۲)

مقاوم‌سازی‌های انجام شده برای بناهای موجود در بافت، به صورت تکنیک‌های شبکه‌بندی با آرماتور روی دیوارها همراه با پاشیدن بتن روی آن‌ها و انسجام سقف‌ها و اتصال آن به دیوارها می‌باشد. (گناب، ۱۳۸۴: ۵۴)

**ملاحظات مرمتی:** خشت مصالحی آسیب‌پذیر در برابر باران است و با توجه به میزان بارندگی در یزد، بناهای خشتی تقریباً هر دو سال یکبار نیاز به مرمت و بازسازی دارند که این خود مشمول صرف وقت و هزینه برای مالکان می‌باشد. همین سر باز زدن اقشار کم درآمد این ناحیه از انجام مرمت مورد نیاز بناها شده و مقدمات فرسودگی بیشتر را فراهم می‌آورد.

#### شاخص‌های اجتماعی:

**کمبود خدمات شهری:** خدمات حفظ و نگهداری بافت محدود است و شهرداری تمایل چندانی به افزایش آن ندارد. با وجود امکانات زیرساخت‌های شهری، خدمات ارائه شده جهت استفاده از آن‌ها کافی نمی‌باشد. طی تحقیقات انجام شده نزدیک به ۷۰٪ از ساکنان، کمبود یا نبود خدمات شهری را به عنوان مشکل ذکر کرده‌اند، علت عمده این ضعف را می‌توان در تراکم بافت و نفوذپذیری کم آن جستجو کرد که منجر به بروز مشکلاتی در خدمات رسانی‌هایی مانند جمع‌آوری زباله، عدم امکان عبور ماشین‌آلات خدماتی نظیر آتش‌نشانی و ... شده است. نتیجه این معضل به علاوه خرابی‌ها و مخروبه‌ها باعث شده تا بهداشت عمومی بافت مورد تهدید واقع شده و از نقطه نظر معیارهای زیستی به میزان زیادی نزول کند.

**نقصان‌های امنیتی:** با توجه به خروج بومیان و متمکنین از بافت و جایگزین شدن آن‌ها با اقشار کم درآمد و اتباع مهاجر و به علت وجود احساس بی‌هویتی مهاجران در محیط جدید و عدم



تصویر شماره ۴: خانه‌ی گلشن بعد از مرمت و تبدیل به کاربری رفاهی: هتل سنتی

استقبال برای سکونت در این بافت که منجر به کاهش تقاضای زندگی در آن شد، قیمت‌های پایه‌ی ملکی در این ناحیه نزول کرد و به همین علت از طرف اقشار کم درآمد جامعه و اتباع بیگانه که بی سرپناه بودند، مورد استقبال قرار گرفت و این امر به بدنه‌ی اقتصادی و ارزش‌های هویتی بافت صدمه وارد آورد.

**پراکندگی فعالیت‌های اقتصادی در پهنه‌ی شهری:** در گذشته هر کدام از محلات دارای مرکز محله‌ی پر رونق، بازارچه و کارگاه‌های کوچک تولیدی بودند که موجب رونق فعالیت‌های اقتصادی آنجا می‌گشتند و ساکنان نیازهای روزانه خود را با صرف کمترین وقت و هزینه مرتفع می‌کردند؛ ولی با مهاجرت ساکنین به نقاط دیگر شهر و خارج از بافت، این مراکز رونق خود را از دست داد و فعالیت‌های اقتصادی محلات به جداره‌های فضاها توسع یافته شهری انتقال پیدا کرد و همین امر یکی از مهم‌ترین معضلات زندگی در بافت قدیم شد.

#### شاخص‌های فرهنگی:

بالا رفتن حد آسایش و رفاه نسبت به گذشته: کوچک شدن ابعاد خانواده‌ها و نیاز به زندگی مستقل، موجب آن شده تا نسل امروزی به زندگی در معماری کهن در گرداگرد حیاط مرکزی که قبلاً به چند خانوار وابسته تعلق داشته، با تردید بنگردد. استفاده از روش‌های مستقل‌سازی واحدهای همسایگی در این خانه‌ها موجب می‌گردد تا خانوارهای مستقل، در کنار هم، به سلسله مراتبی برای بازخوردهای اجتماعی دست یابند که این امر سبب همبستگی‌های فرهنگی در مقیاس‌های بالاتر نیز می‌شود، مانند برگزاری آیین‌های ملی و مذهبی.

**گسیختگی فرهنگی:** شکاف عمیقی در دوران معاصر از لحاظ فرهنگی و تاریخی بر ما حادث گشته است و منجر به وقوع بحرانی به نام هویت در انسان شده است و از آنجا که بافت و ابنیه موجود در آن حاصل قسمتی از هویت اصیل و تاریخی ما هستند، در صورت کم‌توجهی، هر روز رو به فرسودگی بیشتر قدم خواهد برداشت و جز پیکری نحیف و فرتوت چیزی از آن باقی نخواهد ماند. ■

فضای سبز، موجب روی آوردن مردم به زندگی در بافت و همچنین تعاملات بیشتر ساکنین می‌شود. (تصاویر شماره ۳ و ۴)

- گسترش فضاها‌ی سبز عمومی، تأمین روشنایی کوچه‌ها در شب، ارائه تسهیلات بهداشت عمومی و... توسط شهرداری و سازمان‌های مربوط، موجب تحرک اجتماعی بیشتر در بافت می‌شود.

- کنترل و جلوگیری از سکونت اتباع بیگانه به ویژه افغانه، پاکستانی‌ها و عراقی‌ها، برای حفظ امنیت بیشتر.

- حضور پررنگ نیروی انتظامی جهت جمع‌آوری معتادین از مخروبه‌ها، ممانعت از ورود بزهکاران به خانه‌های خالی

از سکنه و... برای کاهش جرایم اجتماعی در بافت و تأمین امنیت بیشتر.

#### شاخص‌های اقتصادی:

**کاهش قیمت پایه‌ی ملکی:** به دنبال مهاجرت ساکنین بومی از محلات بافت قدیم به علت تأثیرپذیری از توسعه‌ی فیزیکی شهر طی ۲۵ سال اخیر و عدم

